

تحلیل تأکیدی ضربات

چون از کم و کیف درکینها چندان اطلاع دقیقی نداریم و این نوشته بر اساس اطلاعات و گزارشاتی است که رفا داده اند یا از طریق زندان پنا رسیده لذا مطالبی که آورده میشود برداشت رفا از علت درگیریهاست تا در اینجا لزوم دلیل تأکیدی ضربات اشاره میکنیم باشد که رفا از تجربیاتی که به قیمت خون چندین رفیق شهید بدست آمده در عمل بکار ببرند بکار نبردن تجربیات بدست آمده و کم بها دادن به آن عواید و خبی بیار میآورد وجه مساعدی دیگری از رفا تا شهید شوند در اینجا وظیفه انقلابی هر رفیق بکار بودن تجربیات بدست آمده در مدت هفتسال مبارزه مسلحانه در تئوری و عمل است خوش خیالی و کم بها دادن به تجربیات گذشته سازمان ما را دچار همان اشتباهاتی خواهد کرد که رفا ی گذشته سازمان دچار آن شدند بعد از ضربات سال پنجاه سازمان شروع به عضوگیری کرد ضوابط سازمان در مورد عضوگیری محکم نبوده و بیشتر به شناخت مسئولین دستها بستگی داشت سازمان شروع به سرپازگیری کرده بود بدون اینکه بتواند به آنها آموزش کافی بدهد در نتیجه در اواخر سال پنجاه و چهارم عده زیادی از رفا ی مخفی در ^{یا گاهها} ~~در~~ ~~پیکار~~ مشخص نداشتند و از ترس اینکه ضربه نخوردند حرکت نمیکردند سازمان برای آنها برنامه نداشت و چون این رفا حرکت نکرده بودند نمیتوانستند مسئولیتی بگیرند لذا عده محدودی از رفا که بیشتر مسئولین دستها بودند حرکت میکردند و رفا تیک در پایگاه بودند عملاً دچار خورده کاری شده و بجای آموزش تئوریک و دیدن مسایل کلی جنبش به اختلافات فردی فکر میکردند ~~اگر مسئولین از اصول دستهای~~ ^{در دسترس تئوریک نبودند و در عمل مشکلات دستها را کنترل میکردند اگر سرسختی از بدست داشتن مطالبات و اینگونه بود که} ~~تئوریک نبودند و در عمل مشکلات دستها~~ ^{سندل دستهای بدست داشتن میآید که بطور نمونه رفیق ارضانی}

باعث از بین رفتن دست می‌شد بوی چون کارها بین رفا تقسیم نشده بود و در نتیجه کارها بعد از ضربه خوردن مسئولین دست خود گاهی چندانى نداشتند (کارها از نظر تئوری وراثتیک رشد نکرده بودند لذا نمیتوانستند

— جوابگوی مسئولیتها باشند بطور نمونه بعد از ضربه خوردن رفاى مرکبیت در نتیجه بعد از ضربه خوردن رفاى مرکبیت رفاى مرکبیت جدید ترارگر گرفتند با وجود اینکه در مذاقات آنها نمیتوان شک کرد ولی نتوانستند از عهد کارها برآیند در نتیجه ضربه های تازه ای بر بیکر سازمان وارد شد بعد از هر ضربه باید ریشه های مادی آن را جستجو کرد اگر این ریشه ها را نیابیم و یا نتیجه بدست آمده را در عمل بکار نبریم و یا همان تاکتیک حرکت کنیم که قبلاً حرکت میکردیم ضربه بعدی بدنبال خواهد آمد بچون ریشه مادی ضربه از بین نرفته و رابطه اورگانیک آن وجود دارد.

رفائیک بعد از ضربه مرکبیت سازمان مرکبیت جدید را تشکیل دادند اگر همان تاکتیکهای را بکار بردند که قبلاً برای دشمن شناخته شده بود آنها نتوانستند حداقل نتیجه تاکتیک ضربات را در عمل بکار ببرند در نتیجه ضربه بعدی که ناشی از بی تجربگی رفا بود بزرگه سازمان وارد شد. اشده جاهلی که تجربه ضربات بعد از تیرماه شد باعث رفاى مرکبیت جدید و در رابطه با سازماندهی جدید بود و چون شناخت کافی از ضربات قبلی نبود و رفاى مرکبیت جدید تجربه کافی نداشتند سریعاً شرح به سازماندهی

بسیار بسیار رفا کردند رفا سعی داشتند که زودتر پایگاه گرفته شود البته بی تجربگی این رفا ناشی از ضعفهای قبلی سازمان بوده و این رفا نمیتوانستند در مدت کمی تغییر کیفی کنند بلکه باید در یک پروسه مبارزاتی طولانی آهسته شده و قابلیت را بدست بیاورند.

ولی به تمام تجربیات که از قبل در مورد گرفتن پایگاه داشتیم کمتر توجه شد در نتیجه
دوسه پایگاه جدید ما در تهران دچار ضربه شد و رفتاری هم در این ضربات
شهادت شدند . در اینجا به کثرت بیشتر از کیفیت توجه شد و این خود عاملی خوا
ساهد بود برای ضربه .

ضرباتی که از سال چهل و نه به بعد به سازمان وارد شده تا اواخر سال پنجاه
و چهار در نشریات داخلی و تحلیل ششماه آورده شده بطور کلی علت ضربات
اردیبهشت و مهر دارای دو فاکتور مهم است .

۱- درگیری از طریق تلفن

۲- درگیری از تعقیب

سر نخي که از يك تلفن بدست دشمن افشاء و باعث شد شبکه تلفني ما لو برود و
پایگاهها یکی بعد از دیگری شلخته شونده دشمن بدون کوچکترین تعقیب توانسته
بود مقداری از پایگاههای ما را پیدا کند که این سر نخ میتواند از دو طریق باشد
الف- رفتن بعد از اینکه رفیق بهد سرخی^۱ ضربه خورد پایگاه کوی کن را تخلیه کا
کردند

و بعد از مدتی به پایگاه برگشتند . وقتی رفیق بهد سرخی به کمال فولادی
تلفن میزند تلفن پایگاه لو میرود (اگر تلفن در مدار کامپیوتر شماره باب
باشد از هر تلفنی که به آنجا تلفن زده شود بعد از سه زنگ شماره تلفن ضبط
میشود) . رفیق حمید از پایگاه تهران نوبه پایگاه کوی کن تلفن میزند پایگاه تهران
نو لو میرود و بدین طریق به تلفن پایگاههای دیگر میرسند و شبکه تلفنی لو میرود .

^۱ رفیق که در ارتباط با يك سمپا تحلیلی بنام کمال فولادی بود در روز درگیری چندین
بار از پایگاه کوی کن باو تلفن میزند و او سلامتی میدهد رفیق به خان او رفت
و در خانه درگیر شد و طبق اطلاعی که از زندان بها رسیده رفیق در هنگام
درگیری شهادت شده است .

رفلایک در پایگاه تهران نو بودند میگویند که بعضی مواقع تلفن ضعیف میشده یا صدا میداد که رفا فکر میکردند تلفن خراب است در صورتیکه تلفن بیاد خط فنی وصل شده بود .

ب- یکی از تلفنهای دستگیلان لو میرود بر طبق ارمنانی از پایگاه خیابان شامی به رشت تلفن میزند در نتیجه سرنانی بدست پلیس میافتد و بدین طریق شبکه تلفن لو میرود .

۲- ردگیری از طریق تعقیب

اخیراً خبری از زندانها رسیده که رفق ارمنانی مدت سه ماه تحت نظر بوده است و حرکات او کنترل میشده . یکی از سمپاتیهای سازمان بنام آرژانتایی با سازمان رهائی بخش ارتباط داشته است از طریق آرژانتایی با رفق حدادپور از دستگیلان ارتباط داشته . بخود حدادپور در رابطه با رفق ارمنانی بوده است . از طریق سازمان رهائی بخش به آرژانتایی و از طریق آرژانتایی به رفق حدادپور و بعد رد رفق ارمنانی را میگیرند و از طریق رفق ارمنانی به شاخه های او صدا می دهند از جمله برادرانش میروند . بطوریکه در حمله پلیس به دستگیلان فقط تعداد محدودی از آنها باقی میمانند . این حرکت پلیس نشان دهنده ردگیری طولمدتشان میباشد .
نتیجه گیری .

تاکتیکهای ما از تاکتیکهای دشمن عقب افتاده بود و چون مدت زیادی بود ضربه نخورده بودیم خوش خیال شده و با حدود زیادی هوشیاری چریکی را از دست داده بودیم تا این خوش خیالی تا آنجا ادامه یافت که رفا از پایگاهها به هندپور تلفن میزدند حتی دیده شده بود که از پایگاه به رفا ای علی تلفن زده میشد ما در حین مبارزه تاکتیکهایمان را تکامل ندادیم و همان طریق حرکت میکردیم که در حال پنجاه مورد استفاده قرار میگرفت . در نتیجه کار بجایی رسیده بود که دشمن از رفق ارمنانی عکس گرفت و اولی خود شش متوجه نگردید . حرکت آهسته ما

نیروهای متحرک باید بر اساس تاکتیکهای دشمن باشد همیشه سعی کنیم یک قدم از دشمن جلوتر حرکت کنیم تا ضربه نخوریم و هوشیاری چریکی را از دست ندهیم نباید رفتن از یک پایگاه به پایگاه دیگر تلقین بزنند همچنین قبل از اینکه سر قرار رفتنی برویم باید خودمان را کاملاً چک کرده (از عقب و از جلو و از پهلوها) و بعد از اجرای قرار دوباره خودمان را در دوسه منطقه دور از هم چک کنیم (پیاده یا بوسیله عویر یا ماشین) و بعد به پایگاه یا سر قرار بعدی برویم از دست دادن هوشیاری مطلق همیشه امکان تعقیب را به دشمن ندهد و دیدیم پیدا کردن یک سر نخ بدست دشمن چه ضربه غیر قابل جبرانی را بدنبال آورد .

سعی کنیم که ارتباط بین دستها را حداقل کنیم و از رفتن برای ارتباط بین دستها استفاده کنیم که مطمئن باشیم که تحت تعقیب هستیم .

موقعی که خودمان را چک میکنیم از روشهای استفاده کنیم که دشمن مجبور شود دستش را رو کند و اگر ما را تعقیب کرد متوجه تعقیب آنها باشیم مثلاً رفتن داخل یک کوچه و دوباره برگشتن به آنجا رفتن به یک کوچه که به دوراء ختم میشود اول رفتن به سمت چپ و دوباره برگشتن و رفتن به سمت راست و چک کردن مسیر حرکت قبل

دشمن فقط ما را از پشت سر چک نمیکند بلکه از کوچه ها هم که به مسیر ما دید دارد یا از خیابان ها هم که کوچه به آن ختم میشود ما را چک میکند بنابراین با نگاه کردن پشت سرمان نمیتوانیم مطمئن شویم که تحت تعقیب هستیم .